Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۶ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص۱۲۲ – ۱۴۴

تحلیلی برمبانی علامه سنقری حائری در رد نظریه کشف حجاب مخدرات امام حسین علیه‌السلام بعد از عاشورا

دکتر محمد فراهانی[۱] / دکتر فریدون محمدی فام[۲] / دکتر سیدمجید نبوی[۳]

چکیده:

این مقاله تحلیل و نقدی است بر نظریه‌ی کشف حجاب مخدّرات اهل‌بیت امام حسین علیه‌السلام در رساله العاصمیه که علامه شیخ محمد علی سنقری حائری در سال ۱۳۲۷ق به پایان رسانده است. علامه سنقری در این رساله به نقد و بررسی روایات ابی مخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی مربوط به ربودن حجاب زنان اهل حرم کربلا می‌پردازد و کشف شعور بنات الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را محال و با غیرت، حکمت و شریعت الهی و عصمت حضرت زینب علیهاالسلام معارض دانسته و دلایلی چون: آماده بودن اهل‌بیت امام علیه‌السلام برای اسارت و جدا کردن حلل و زیور از خود، مانعیت هیبت و سطوت زینب کبری علیهاالسلام از این امر و اقامه شواهدی بر روپوش داشتن کجاوه‌های آل الله را دال بر عدم تمکین اجانب از دیدن وجه و شَعر پردگیان عصمت و رسالت، دانسته است. در این پژوهش سعی شده، پس از بررسی سندی روایات مشتمل بر کشف رأس بنات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، ادله عقلی و ادله نقلی این دسته از روایات، نقادی گردیده، سپس معنای لغوی اسباب حجاب آل الله و معنای مجازی و کنایی تعابیر مفید چهره گشایی اهل حرم امام حسین علیه‌السلام، مورد کند و کاش و در نتیجه، نظریه ی علامه سنقری حائری، مبنی بر عدم امکان کشف رأس، مورد تایید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه‌السلام، عاشورا، کربلا، مخدّرات، کشف حجاب، غارت خیام

---

۱. استادیار سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت، سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت.
۲. سایر جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی.
۳. دبیر گروه قرآن و حدیث سازمان سمت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۶، پاییز ۱۴۰۱

۱. مقدمه

برمبنای آنچه که از روایات و اخبار رسیده از آل محمد ﷺ به دست می‌آید، بعد از ادای واجبات، هیچ عملی در عظمت و شرافت به پایه‌ی احیای امر اهل‌بیت علیهم‌السلام خصوصا اقامه‌ی عزای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام نمی‌رسد؛ چنانکه حضرات معصومین علیهم‌السلام خود، بنیانگذار این امر بوده و بر آن اهتمام و تأکید داشته‌اند و در تاریخ، نوحه‌سرایی، توصیه به اقامه‌ی عزای سیدالشهداء علیه‌السلام و ذکر اهمیت و ثواب آن توسط پیامبر اکرم ﷺ (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱، ۲۳۹)، امیرالمؤمنین علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۵۹۷-۵۹۸)، حضرت زهرا علیهاالسلام (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۴، ۶۳)، امام حسن علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶)، امام سجاد علیه‌السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷)، امام باقر علیه‌السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴)، امام صادق علیه‌السلام (کشی، ۱۳۴۸: ۲۸۹)، امام کاظم علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۲۸)، امام رضا علیه‌السلام (همان، ۱۲۹-۱۳۰)، امام عسکری علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ۲، ۸۲۶) و امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۰۴-۵۰۵)، مکرر ثبت و ضبط گردیده است. قطع نظر از اجرا خروی برپایی مجالس سیدالشهداء علیه‌السلام، که در این روایات بر آن تأکید شده است، آثار وضعی و فواید دنیوی زیادی بر آن مترتب است که همین امر، اهتمام پیوسته‌ی شیطان و جنود او را در سلب توفیق و ایجاد اختلال در بهره‌مندی مؤمنین از این عبادت شریف و عظیم، باعث گردیده است؛ چنانکه در برخی از مرثیه‌سرایی‌ها به بعضی از اخبار شاذ و نقل‌های نادر پرداخته می‌شود که از ساحت انوار مقدس اهل‌بیت علیهم‌السلام دور است؛ مانند نسبت دادن گشودگی مو و صورت از مخدّرات حرم امام‌حسین علیه‌السلام در میان نامحرمان که با شئونات آل عصمت منافات دارد. از منظر علامه سنقری، اگرچه عقلاً و عادتاً صدور ظلم از ظالم نسبت به آل عصمت محال و ممتنع نیست، لکن اینکه خداوند متعال چنین ظلمی را نسبت به حرم وحی و رسالت تمکین نماید عقلا ممتنع است. وقتی در بین مقاتل و نقل‌های عاشورایی چنین اخبار و مطالبی، باعث شبهه افکنی برخی مغرضان و شیوع سؤال برخی مؤمنان گردید، آیت الله شیخ محمد علی سنقری برمبنای تکلیف، رساله‌ای در بیان صحیح نبودن این نسبت‌ها و منافات آن با خصوصیات آل الله علیهم‌السلام و شنیع بودن شهرت این نقل‌ها به تحریر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

درآورد(ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰). علامه سنقری حائری، این کتاب را با عنوان «العاصمیه» در اثبات عصمت خاندان وحی و پاسخ به شبهاتی که با شئون آن ذوات مقدسه سازگاری ندارد، به زبان عربی انشاء و سپس خود، آن را ترجمه نمود که نسخه‌ی خطی آن توسط روح الله عباسی تصحیح و تحقیق و با عنوان «چهره‌گشایی دختران امام‌حسین علیه‌السلام» در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است. درباره‌ی موضوع این پژوهش، کتاب یا مقاله‌ای که به آن پرداخته باشد، یافت نشد و اساساً آثار آیت الله سنقری حائری، که بالغ بر بیست اثر می‌باشد، به صورت خطی باقی مانده است و امید است این پژوهه، قدمی در معرفی این چهره‌ی ناشناخته شیعه و زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در آثار ایشان، خصوصاً موضوع کشف حجاب مخدّرات حرم امام‌حسین علیه‌السلام باشد.

۲. نقد و بررسی سندی کشف حجاب مخدّرات از منظر علامه سنقری حائری

کشف حجاب بنات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از منظر علامه سنقری عقلاً ممتنع و با حکمت الهی و شرع مبین تعارض دارد و اساساً صورت و موی پردگیان آل عصمت از نظر اجانب و نامحرمان پنهان مانده است و این نقل‌ها منتقَل از منابع و مآخذ عامه هستند(همان، ۱۴۹). در ادامه به ذکر نقل‌های ابومخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی در این زمینه می‌پردازیم و ادله‌ی نافی ادعای کشف رأس مخدّرات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. بررسی سندی روایت ابومخنف در کشف رأس

در مقتل منتسب به ابومخنف از قول حضرت زینب علیهاالسلام آمده است: «...كنت في ذلك الوقت واقفة في الخيمة، إذ دخل رجل أزرق العينين... وأخذ القناع من رأسي...»(ابومخنف، بی تا: ۹۷-۹۸) که در آن به غارت مقنعه و گوشواره‌ی آن حضرت اشاره دارد. در بحارالانوار چنین ماجرایی در مورد حضرت ام کلثوم علیهاالسلام نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵، ۶۰). در این‌باره، اسفراینی شافعی اشعری(م۴۱۷ق) از قول حضرت زینب علیهاالسلام می‌نویسد: «...و نظر الی قرط كان في اذني فعالجه و قرضه باسنانه...» (اسفراینی، بی تا: ۱، ۵۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

علامه سنقری در نقد و بررسی این نقل، به ضعف سندی آن اشاره می‌نماید کما اینکه بین منابع متقدم و معتبر اثری از این نقل نیست و در روایاتی که در کتب معتبره به نقل از ابومخنف آمده است چنین خبری یافت نشد و این نقل تنها در نسخه‌ی مقتل منسوب به ابومخنف آمده است که پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیر قابل استناد می‌دانند(ن.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). منبع متقدم دیگر و متضمن این نقل به وجه اقبح و اشنع، کتاب نورالعین فی مشهد الحسین علیه‌السلام است که برخی از محققان اساساً آن را ساختگی و منسوب به ابواسحاق اسفراینی دانسته‌اند(ن.ک:گروهی از تاریخ پژوهان، ۱۳۹۱: ۱، ۱۳۵-۱۳۷) و بسیاری از گزارش‌های آن ساختگی، سخیف و ضعیف السندند(ن.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۵۲).[۱]

۲-۲. بررسی سندی روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیهاالسلام در کشف رأس

نقل دیگری که درباره‌ی کشف رأس از مخدّرات آمده است روایت شیخ صدوق است در أمالی که ضمن آن آمده است: «... دَخَلَتِ الْغَانِمَةُ عَلَيْنَا الْفُسْطَاطَ وَ أَنَا جَارِيَةٌ صَغِيرَةٌ وَ فِي رِجْلِي خَلْخَالانِ مِنْ ذَهَبٍ فَجَعَلَ رَجُلٌ يَفُضُّ الْخَلْخَالَيْنِ مِنْ رِجْلِي... وَ انْتَهَبُوا مَا فِي الْأَبْنِيَةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلَاحِفَ عَنْ ظُهُورِنَا»(ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۵) و در آن به غارت خلخال از ایشان و غارت ملاحف از سر زن ها اشاره شده است. در بررسی روایان این سلسله:

«مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ»، امامی و ثقة جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۹)،

«عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ»، امامی و ثقة علی التحقیق (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۳)،

«أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ»، امامی، ثقة جلیل (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)،

«مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ البرقی»، امامی و ثقه (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۳)، اگرچه نجاشی اورا «ضعیف فی الحدیث» دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵).

---

۱. متن اصلی مقتل ابی مخنف، بعد از قرن چهارم از بین رفته است و هم اکنون دو نسخه ی مقتل به این نام شهرت دارد؛ یکی از این نسخه ها، کتابی غیر معتبر است که احتمالا در قرن ششم جعل شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۴۲) و دیگری نسخه‌ای بازسازی شده از طریق جمع آوری نقل های طبری، شیخ مفید و... از ابومخنف است که معتبر و قابل استناد است (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۱۱).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

«مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ»، که بین علمای رجال درباره‌ی او اختلاف نظر دیده می‌شود، با عباراتی چون: ضعیف (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۴)، کذاب (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۸۲۳)، فی بعض روایاته غلو و تخلیط (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، توصیف کرده‌اند و برخی نیز او را ممدوح الروایه (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۷۹۲) و امامی صحیح المذهب (همان، ۷۹۶) دانسته‌اند.

«أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ» که او را مذموم فی الروایة (همان، ۴۹۸)، زیدی (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، دانسته‌اند.

«عَبْدِ اللهِ بْنِ الحسین [اَلْحَسَنِ]» که صرفاً در کتب رجالی به زیدی مذهب بودن او اشاره شده است (کشی، ۱۴۰۴: ۲، ۶۳۲).

با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «موقوف»، که از اقسام حدیث ضعیف است و از نظر سند، ضعیف مهمل محسوب می‌شود؛ چه اینکه در مورد راوی آخر این حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است.

۲-۳. بررسی سندی روایت حُمَید بن مسلم در کشف رأس

علامه سنقری روایت دیگری را از حُمید بن مسلم نقل می‌کند که با بررسی آن بین متون مختلف مقتل دانسته می‌شود که آن را ابومخنف به نقل از «صقعب بن زبیر» از «حمید بن مسلم» روایت کرده است. در این روایت آمده است: «... فَوَاللهِ لَقَدْ كُنْتُ أَرَى الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِ وَ بَنَاتِهِ وَ أَهْلِهِ تُنَازِعُ ثَوْبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلَبَ عَلَيْهِ ...» (مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۱۱۲). در بررسی رجالی راویان این روایت، مشاهده می‌شود که نجاشی و حلی، راوی اول این نقل یعنی أبومخنف را «ثقه» دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱، ۳۲۰، حلی، ۱۴۰۲: ۱۳۶). و اما راوی دیگر «صقعب بن زبیر ازدی» که مورد اعتماد جارحین و معدلین بوده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۴، ۴۳۲) و نهایتاً راوی اصلی این روایت «حمید بن مسلم» که به عنوان «اصحاب علی بن الحسین علیه‌السلام» (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۱۲) یاد شده و گفته‌اند در سپاه توابین حضور داشته است (سید بن طاوس، ۱۴۲۲: ۱۶۷)؛ لکن علامه مامقانی درباره‌ی او می‌گوید: «ظاهرا امامی است اما حالش مجهول است» (مامقانی، بی تا: ۱، ۳۸۰). ناگفته نماند که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

به نوشته‌ی فارس تبریزیان (حسون) در پاورقی لهوف، در تاریخ، دو نفر به این نام بوده‌اند که یکی از آن‌ها همین حمید بن مسلم شناخته شده است که در کربلا در سپاه عمر سعد حضور داشته و از حاملان رأس مطهر امام حسین علیه‌السلام به کوفه بوده و دیگری امامی و از اصحاب امام چهارم بوده و در قیام توابین حضور داشته است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۴۲۲: ۱۶۷). با توجه به آنچه بیان شد این روایت ضعیف به شمار می‌رود چه اینکه اگر منظور از حمید بن مسلم، شخص اول باشد که شروحی در احوال او در بیان علما آمده؛ از یاران ابن سعد بوده است و مورد اعتماد نمی‌باشد و اگر شخصیت دوم مراد باشد، مجهول است و گزارش معتبری از او در تاریخ، مکتوب نیست (ن.ک: نمازی، ۱۴۱۴: ۳، ۲۸۹).

۲-۴. بررسی سندی روایت فاطمه صغری علیهاالسلام در کشف رأس

علامه مجلسی در بحار روایتی را با جمله «رأيت في بعض الكتب» در شرح ماوقع در غارت خیام از قول فاطمه صغری علیهاالسلام نقل می‌کند که در آن آمده است: «... فإذا برجل علی ظهر جواده يسوق النساء بكعب رمحه ... فخرم أذني و أخذ قرطي و مقنعتي ... قلت يا عمتاه هل من خرقة أستر بها... فقالت يا بنتاه و عمتك مثلك فرأيت رأسها مكشوفة ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۵، ۶۰-۶۱). این روایت با عبارات «قد أخذ ما عليهن من أخمرة و أسورة» به کشف حجاب از زنان، با جمله «أخذ قرطي و مقنعتي» به غارت حجاب فاطمه صغیره علیهاالسلام و با عبارات «فرأيت رأسها مكشوفة» به کشف رأس حضرت زینب علیهاالسلام اشاره دارد. در جستجوی منابع تاریخیِ این روایت، تنها منتخب طریحی[1] به عنوان منبع علامه مجلسی یافت شد و در بررسی سندی، این روایت مجهول است و مدرک و سندی ندارد و چنانکه علامه مجلسی آن را با تعبیر «رأيت في بعض الكتب» نقل کرده، شیخ طریحی نیز این نقل را با عبارت «حکی» (طریحی، ۱۴۲۴: ۱۸۴) آورده است که نشانه بی سند بودن آن است.

۲-۵. بررسی سندی کشف رأس از زینب کبری علیهاالسلام

طریحی در منتخب درباره‌ی ورود زینب کبری علیهاالسلام به دارالاماره کوفه نقلی دارد که طی

۱. شیخ طریحی این روایت را در صفحات ۱۸۴-۱۸۵ نقل کرده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

آن به کشف رأس از آن حضرت اشاره کرده است: «...دخلت... زينب بنت علي و هي متنكرة و عليها أرذل ثيابها... و تسترو وجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها...» (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۶۵-۴۶۷). در تطبیق این نقل با مآخذ متقدم به دست آمد که در نقل این روایت، طبری، ابن اعثم کوفی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و دیگران به عبارات «و تستروجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها» که دال بر کشف رأس زینب کبری علیها السلام است متعرض نشده‌اند(ن.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۵۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۰، ۱۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۱۱۵؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۶۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۶۳) و تنها اثری که در آن به این مضمون اشاره شده است مقتل ابومخنف (مشهور) است[1] و چنانکه در مباحث قبل بیان شد پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیرقابل استناد می‌دانند(ن.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). علاوه بر آنچه بیان شد این روایت مجهول و بدون مدرک و سند است؛ چه اینکه در المنتخب و مقتل ابومخنف (مشهور)، برای آن سندی ذکر نشده است. ناگفته نماند، این نقل طریحی با جملات قبلی او تناقض دارد؛ چون در ابتدای ذکر ماوقع ورود کاروان امام حسین علیه السلام به کوفه، می‌نویسد: «...فالتفتت زينب فرأت رأس أخيها فنطحت جبينها بمقدم المحمل حتى رأينا الدم يخرج من تحت قناعها...» (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۶۵) و طی آن به بیتابی حضرت زینب علیها السلام از دیدن سر امام حسین علیه السلام و زدن پیشانی به محمل و جاری شدن خون از زیر قناع ایشان اشاره می‌کند؛ در حالیکه در ادامه‌ی نقل خویش با عبارات «تستروجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها»(همان، ۴۶۷) به بدون قناع بودن آن حضرت تصریح می‌کند. با توجه به دلایل پیش گفته این روایت از اخبار ضعیف و غیرقابل استناد محسوب می‌شود[2].

۱. در مقتل منسوب به ابی مخنف آمده است: «... و جعل يدخلون السّبايا على ابن زياد لعنه الله... و كانت زينب علیها السلام قد أخذ قناعها، و قرطاها و هي ناشرة الشّعر، و هي تسترر أسها بكمّها...» (ابومخنف، بی تا: ۱۰۵).

۲. به دلیل اشکلات سندی و متنی که در این نقل وجود دارد، روایت مسلم جصاص از اخبار ضعیف محسوب می‌شود و از جانب محدثانی چون شیخ عباس قمی مورد تشکیک قرار گرفته است(قمی، ۱۴۲۲: ۱، ۷۲۹).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۲-۶. نقد روایت منقول از ام کلثوم علیهاالسلام در نگاه نامحرمان به بنات الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله

سید بن طاووس و ابن نما حلی در روایتی آورده‌اند: قَالَ الرَّاوِي: «... فَلَمَّا قَرُبُوا مِنْ دِمَشْقَ دَنَتْ أُمُّ كُلْثُومٍ مِنْ شِمْرٍ... فَقَالَتْ لَهُ... إِذَا دَخَلْتَ بِنَا الْبَلَدَ فَاحْمِلْنَا فِي دَرْبٍ قَلِيلِ النَّظَّارَةِ ... فَقَدْ خُزِينَا مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَ نَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۷۵؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۹۷) که بعضی از اهل منبر و روضه، از عبارات این نقل بدون حجاب بودن وجه و رأس مخدّرات را استنباط کرده‌اند. در بررسی سند این روایت لازم به ذکر است که سید بن طاووس و ابن نما حلی بدون ذکر راوی، خبر را نقل کرده‌اند و در تطبیق این روایت با منابع متأخری چون المنتخب (طریحی، ۱۴۲۴: ۲۸۳)، به نام «سهل بن سعد ساعدی» برمی‌خوریم که اگرچه از نظر طبقه‌ی راویان، از صحابه‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۰ و ۶۶) لکن در مورد او مدح و یا ذمی به ثبت نرسیده است و به همین جهت این خبر، ضعیف مهمل است.

۲-۷. بررسی سندی روایت صدوق در تعبیر «مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوه»

شیخ صدوق روایتی را به صورت مُسند از حاجبِ عبیدالله بن زیاد نقل کرده است که به ورود اهل‌بیت امام حسین علیه‌السلام به شام اشاره دارد؛ در حالی‌که حجابی به صورت نداشته‌اند. در این نقل آمده است: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۵). در بررسی سندی این روایت قابل ذکر است:

«مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطالقانی» امامی و از مشایخ صدوق است لکن وثاقت او ثابت نیست (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۵، ۲۳۱).

«عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الجلودی» و «مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بن الدينار الغلابی»؛ از جانب رجالیون توثیق شده‌اند (ن.ک: طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۰ و ۳۴۶).

درباره «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ» نوشته‌اند «روی مضمرة» (خوئی، ۱۳۷۲: ۲، ۳۳۰) که از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

اسباب ضعف اوست[1] (ن.ک: موسوی عاملی، بی تا: ۲، ۲۵۲) و شرحی از او در کتب رجالی یافت نشد.

و اما دو راوی آخر این نقل: «أَبُونُعَيْمٍ» و «حَاجِبُ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ زِيَادٍ»، که هر دو مجهول و در کتب رجالی از آن‌ها شرحی به دست نیامد.

با توجه به آنچه در نقد راویان این نقل بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مُسند» ولی از حیث سند، به جهت مجهول بودن دو راوی آخر آن، ضعیف مهمل است و علامه سنقری درباره آن می‌نویسد: «بس است از ضعفِ منقول، مجهول بودن منقولٌ عنه» (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

۳. نقد و بررسی متنی کشف حجاب مخدّرات از منظر علامه سنقری حائری

با توجه به اینکه علامه سنقری متون روایات مربوط به کشف حجاب مخدّرات را با دو ملاک ادله‌ی نقلی و ادله‌ی عقلی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ در این قسمت از بحث ابتدا به ادله‌ی عقلی در رد کشف رأس از حرم امام حسین علیه‌السلام و سپس به ادله‌ی نقلی آن می‌پردازیم.

۳-۱. ادله‌ی عقلی[2] نافی کشف رأس از بنات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

۳-۱-۱. تعارض با غیرت الهی

برای اثبات مغایرت کشف رأس از بنات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله با غیرت الهی دو مقدمه لازم است که عبارت است از: اثبات عصمت حضرت زینب علیهاالسلام و دیگری اثبات غیور

---

۱. حدیث مُضمَر حدیثی است که در آن راوی، نام معصوم علیه‌السلام را ذکر نکرده و روایت را با ضمیر غائب با عباراتی چون: «کتبتُ الیه» یا «سألتُه» نقل کرده است (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱، ۳۳۲). اساساً اضمار باعث ضعف حدیث می‌شود مگر این که نقل کنندگان آن از راویان جلیل القدری چون: «محمد بن مسلم» و «زراره» باشند (ن.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۹).

۲. در بررسی و نقد روایات بر اساس عقل، از روشهایی چون: عدم تعارض با عقل، عدم تعارض با واقعیت‌های تاریخی، عدم تعارض متون مشترک المضمون در این زمینه با یکدیگر، عدم تعارض با اصول اعتقادی و عدم دواعی جعل حدیث، که به عنوان روشهای نقد متن حدیث بر اساس ادله عقلی بیان شده است (ن.ک: فتح اللهی، ۱۳۹۴: ۵۰)، بهره خواهیم گرفت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

بودن خداوند متعال؛ لذا بعد از این مقدمات به ذکر ادله‌ی عقلی در اثبات این تعارض می‌پردازیم.

۳-۱-۱-۱. اثبات عصمت حضرت زینب علیهاالسلام

علامه سنقری قائل است: آیه‌ی تطهیر (احزاب، ۳۳) علاوه بر دلالت بر عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام (ن.ک: سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۳، ۱۳۴-۱۳۵)، بر عصمت دیگر اولاد بطن حضرت زهرا علیهاالسلام، از جمله حضرت زینب علیهاالسلام دلالت دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۴)؛ چه اینکه روایتی مُسند از «حَسَنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءُ الْبَغْدَادِي» نقل شده که در آن امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «... إِنَّ فَاطِمَةَ علیهاالسلام أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللهِ مَا ذَاكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً ...» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲، ۲۳۲). نیز روایت دیگری که شاهد بر عصمت زینب کبری علیهاالسلام است؛ روایتی مرسل[1] از «حِذْيَمِ بْنِ شَرِيكٍ الْأَسَدِي»، به نقل از امام سجاد علیه‌السلام است که، پس از خطبه‌ی قراء ایشان در کوفه می‌فرمایند: «يَا عَمَّةِ ... وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهِمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). این روایت به جهت اینکه به انکشاف تام حقایق همه‌ی اشیاء برایشان، بدون نیاز به معلم و مُفَهِّم اشاره دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۷)، شاهدی بر عصمت آن حضرت است. دلیل دیگر بر عصمت زینب کبری علیهاالسلام این است که بنا بر نقل شیخ صدوق، مرجع وصیت امام حسین علیه‌السلام قرار گرفتند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۵۰۱) و بر مبنای روایت «أَنَّ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعلیهم‌السلام مُحَدَّثُون» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۲۷۰)، و محدثه کسی است که «تُحَدِّثُهُمْ الملائكة و فيهم جبرئيل علیه‌السلام من غير معاينة» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲، ۲۴۵)، لذا حضرت زینب علیهاالسلام محدثه است و این محدّثیت، که

---

۱. اگرچه نزد علما، اصل، عدم اعتبار مراسیل است، لکن مواردی استثناء شده است که شهرت عملی یا روایی و موافقت روایت مرسل با کتاب و سنت از آن جمله است (ربانی، ۱۳۸۹: ۲۱۲ و ۲۲۱). شیخ طبرسی خود در مقدمه کتاب الاحتجاج، اجماع بر وجود اخبار، موافقت با عقل و شهرتِ اخباری که آن‌ها را به صورت مرسل نقل کرده است، به عنوان دلیل این ارسال بیان می‌کند (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۱، ۱۴)؛ لذا روایت منقول طبرسی به جهت شهرت روایی و موافقت با کتاب و سنت مورد پذیرش علما قرار گرفته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

مرتبه‌ای از مراتب وصایت بالغه‌ی محمدیه است، دلالت بر عصمت ایشان، در مراتب پایینتر از مرتبه‌ی ولایت مطلقه، دارد(ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰). دلیل دیگری که علامه سنقری با ذکر روایتی نادر، بر عصمت حضرت زینب علیها السلام اقامه می‌کند، «اختلاف محل ولادت» ایشان با سایر انسان‌هاست و اینکه آن حضرت از ران چپ مادر متولد گردیده‌اند(همان). متن این روایت عبارت است از: «وَلَدَتِ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ مِن فَخِذِهَا الأیمَنِ وَ أمَّ کُلثُومٍ وَ زَینَبَ مِن فَخِذِهَا الأیسَرِ» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۸۰). در نقد و بررسی این روایت لازم به ذکر است؛ این روایت مرسل است و سندی برای آن ذکر نشده است و از جهت متن با امهات مصادر حدیث معتبر شیعه مغایرت دارد؛ چه اینکه روایات معتبر زیادی بر «ولادت معصومین علیهم السلام از بطون امهات» (ن.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۳۸۶؛ البحرانی، ۱۴۱۳: ۶، ۱۸۵؛ عاملی، ۱۳۸۰: ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵، ۴۳؛ قمی، ۱۴۲۹: ۱۵۳) اشاره دارند. دلیل دیگری که علامه سنقری بر عصمت زینب کبری علیها السلام بیان می‌کند، ترجیح آن حضرت در عبادات، ریاضت‌ها، مقام رضا و تسلیم و شدت مجاهدت‌ها، بر حضرت مریم علیها السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱) که با توجه به اینکه در این دعویِ ارجحیت، صراحتاً به ادله‌ی عقلی و نقلی خاصی استناد نمی‌کند، این دلیل اقامه شده وجه علمی ندارد. یکی دیگر از شواهد عصمت حضرت زینب علیها السلام، تصرف و نفوذ قدرت ایشان در جمادات است؛ چنانکه در روایات آمده است: قبل از شروع خطبه در کوفه، وقتی آن حضرت به مردم اشاره کردند که سکوت کنند، همه‌ی نفس‌ها حبس و جرس‌ها (زنگ‌هایی که برگردن چهارپایان آویزان می‌کنند)، ساکن و ساکت شدند(طبرسی، ۱۴۰۴، ۲، ۳۰۴). دلیل دیگر عصمت زینب کبری علیها السلام کمال قدرت ایشان در انشاء جوامع کلم و معالم احتجاجات در خطب صادره، از جهت جامعیت در فصاحت و بلاغت و تالی کلام معصوم علیه السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۲). و اما حفظ امام سجاد علیه السلام و به تبع آن حفظ عوالم امکان، شاهدی دیگر بر عصمت حضرت زینب علیها السلام است؛ چه اینکه در روایتی مسند و معتبر آمده است: حضرت زین العابدین علیه السلام با دیدن بدن‌های مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام و دیگر شهدا نزدیک بود جان از بدنشان مفارقت کند(ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۱)،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

زینب کبری علیهاالسلام با ذکر روایت ام ایمن[1] ایشان را تسلیت دادند. ناگفته نماند که منظور از عصمت درباره‌ی حضرت زینب علیهاالسلام عصمتِ مصطلح که مختص چهارده معصوم علیهم‌السلام است، نمی‌باشد لکن در رتبه‌ای پایینتر از مقام ولایت، بالاترین مرتبه از مراتب عصمت به ایشان اختصاص دارد(سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۹)؛ چنانکه از القاب ایشان، عصمت صغری است (محلاتی، ۱۳۶۸-۱۳۷۰: ۳، ۴۶).

۳-۱-۱-۲. اثبات غیرت الهی

غیرت در لغت به معنای حمیت، تعصب و محافظت عصمت و ناموس و نگهداری عزت و شرف (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳، ۴۰۱) آمده است و از صفات نفس است که نسبت دادن آن به خداوند متعال، اگر آثار آن اراده شود، جایز است؛ از این جهت آثار غیرت در ساحت خداوند متعال در حد اعلاست. علامه سنقری برای اثبات غیرت الهی به سه حدیث استناد می‌کند. در حدیث اول که از جهت ارزیابی سندی صحیح است آمده است که پیغمبر اکرم فرمودند: «... إنّ سعدا لغیور، وإنّي لأغیر من سعد، والله أغیر منّا» (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲، ۲۰۵) و در آن به اینکه خداوند متعال از همه مخلوقات خود غیورتر است اشاره می‌شود. حدیث دوم که آن نیز از جهت ارزیابی سندی صحیح است، مشتمل است بر داستان هجرت حضرت ابراهیم علیه‌السلام که ذیل آیه «...إِنِّي ذاهِبٌ إِلى رَبِّي سَيَهْدِين» (صافات، ۹۹) آمده، و طی آن به غیرت الهی اشاره شده است. در این روایت نقل شده: پس از نجات حضرت ابراهیم از آتش نمرود و تبعید ایشان به شام، وقتیکه پادشاه قبطیان «عرارة»، به سوی ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه‌السلام دست دراز کرد، دستش خشک شد؛ لذا حضرت ابراهیم با اشاره به غیور بودن خداوند متعال فرمودند: «...إِنَّ إِلَهِي غَيُورٌ يَكْرَهُ الْحَرَامَ وَهُوَ الَّذِي حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا أَرَدْتَ مِنَ الْحَرَامِ ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸، ۳۷۰-۳۷۳). حدیث سوم به طرق مختلفی در منابع عامه، مثل صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۱۰: ۱، ۵) و صحیح مسلم (مسلم،

---

۱. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرمایند: وقتی عمه ام زینب علیهاالسلام با اشاره به عهدی بین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و جد و پدر و عمویم، من را تسلیت داد از ایشان درباره آن خبر پرسیدم: «...فَقَالَتْ نَعَمْ حَدَّثَتْنِي أُمُّ أَيْمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ علیهاالسلام فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۰-۲۶۶).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۱۴۱۲:۱، ۱۳۹) نقل شده است و در ابتدای آن به تردید رسول اکرم ﷺ در نزول وحی و ترس از دیوانگی اشاره شده است (عربی، ۱۳۸۳:۱، ۳۱۶) که حضرت خدیجه علیها السلام به توصیه‌ی ورقة بن نوفل، با کشف رأس و غیب شدن جبرائیل، واقعی بودن نزول وحی و پیامبری حضرت محمد ﷺ را اثبات می‌نماید (طبری، ۱۳۸۷:۲، ۳۰۲). روایاتی که متضمن نقل این داستان هستند، علاوه بر ضعف سندی با یکدیگر تعارض دارند، و مضمون آن‌ها بر جعل و تحریف عمدی برای کاستن از کرامت پیامبر اکرم ﷺ و عادی جلوه دادن ایشان، برای توجیه خلافت غیر معصومین و...، دلالت می‌کند (ن.ک: عاملی، ۱۴۲۶:۲، ۲۸۸-۳۱۳) چه اینکه آیات قرآن بر اطمینان قلبی رسول اکرم ﷺ دلالت می‌کند و مسلماً خداوند متعال کسی را که برای دریافت سرّ الهی آماده نباشد برای پیامبری انتخاب نمی‌کند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

نتیجه بحث: با توجه به دلایلی که در مقدمه ی اول پیرامون اثبات عصمت حضرت زینب کبری علیها السلام بیان شد، عصمت ایشان در مرتبه‌ای پایینتر از مراتب ولایت ثابت می‌شود؛ نیز در مقدمه‌ی دوم بر مبنای روایات اقامه شده، غیرت الهی به عنوان صفتی که آثار آن نسبت به ذات احدیت اراده می‌شود، ثابت می‌گردد و در نتیجه این دو مقدمه از نظر علامه سنقری، بر خداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن‌ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روا نیست و چنین نسبتی به حرم الله و الرسول ﷺ عادتاً محال است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳)؛ چطور ممکن است خداوند متعال بر همسر حضرت ابراهیم علیه السلام غیرت کند ولی بر ناموس امیرالمومنین علیه السلام نه؟

۳-۱-۲. تعارض با حکمت الهی

اگرچه جهان مادی در مجموع نظام احسن و خیر است لکن وجود شر لازمه‌ی آن است چرا که به گفته ابن سینا: «آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است... عالم ماده نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد» (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۶۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

و به جهت مادی و طبیعی بودن، جای تزاحم و تضاد است و امکان ندارد قوانین آن به گونه‌ی دیگری باشد و اگر امکان داشت، خداوند حکیم، عالم، قادر و خیرخواه مطلق، خلق می‌کرد (ن.ک: محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۳۰). به تبع همین امر، امکان انجام اعمالی که منجر به ظلم می‌شود برای ظالم وجود دارد؛ از روی غرض عقلی و فایده و حکمتی است که با عدل الهی موافقت دارد؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱). با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد؛ شهادت امام حسین علیه‌السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیهم‌السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم‌تر است، لکن بر آن فایده‌هایی بی حد مترتب بوده است که همانا حفظ دین و شرع سیدالمرسلین صلی‌الله‌علیه‌وآله و اتمام حجت بر امت از جمله‌ی آن‌ها است؛ ولی بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدّرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه اذیت‌ها، لغو و عبث می‌باشد و بر آن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۶). و دیدن کشف رأس مخدّرات از جانب امام زین العابدین علیه‌السلام، که کاملترین شخص عالم و داناترین آن‌ها به حسن و قبح امور است، و در عین حال امضای آن محال است چرا که شرع، قبیح ذاتی را تأیید نمی‌کند (همان، ۷۹).

۳-۲. ادله‌ی نقلی[۱] نافی کشف رأس از بنات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

۳-۲-۱. آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه‌ها

با تأمل در اخبار رسیده پیرامون وداع امام حسین علیه‌السلام و وقایع شام عاشورا، شواهدی به دست می‌آید که آل‌الله علیهم‌السلام قبل از غارت خیمه‌ها، برای این امر آماده بوده‌اند؛ چه اینکه بنا بر نقل شیخ مفید، امام حسین علیه‌السلام به یارانشان فرمودند: «... أَنْ يُقَرِّبَ بَعْضُهُمْ بُيُوتَهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَأَنْ يُدْخِلُوا الْأَطْنَابَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ وَأَنْ يَكُونُوا بَيْنَ الْبُيُوتِ ...» (مفید، ۱۴۱۳، ۲: ۹۴).

۱. در ارزیابی روایات با استفاده از ادله‌ی نقلی در نقد الحدیث، غالباً تعارض یا عدم تعارضِ روایات، با قرآن، سنت (احادیث قابل اعتماد)، سیره و روش معصومین علیهم‌السلام و شأن معصوم علیه‌السلام مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد (ن.ک: فتح اللهی، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۹) که در این قسمتِ بحث از برخی از آن‌ها بهره می‌گیریم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

این نقل، برپیش‌بینی حمله‌ی لشکر دشمن برخیمه‌ها و آماده‌سازی اهل حرم برای این امر دلالت می‌کند و در بررسی سندی، این روایت، به جهت اینکه منقول از ابومخنف است و او نیز از حارث بن کعب و ابوالضحاک از علی بن الحسین علیه‌السلام نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۲۰)، مُسند و قابل استناد می‌باشد.

شاهد دیگر بر آمادگی اهل حرم قبل از غارت، روایتی است که در دنباله‌ی روایت حضرت زینب علیهاالسلام از ام ایمن آمده است که حضرت زینب علیهاالسلام هنگام مواجهه‌ی امام سجاد علیه‌السلام با ابدان مطهر شهداء برای ایشان روایت کردند (ن.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۵-۲۶۶) و طی آن امیر المؤمنین علیه‌السلام لحظاتی قبل از شهادت از اسارت زینب کبری علیهاالسلام و دختران اهل او اشاره کرده و ایشان را توصیه به صبر می‌نماید. در بررسی سندی این روایت دانسته شد؛ ابن قولویه قمی روایت خود را به صورت مسند با ذکر تمام حلقه‌های آن آورده است و روایان این سلسله عبارتند از: «جَعْفَرُبْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ»: امامی و ثقة جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۳۱)، «عُبَيْدُ اللهِ بْنُ الْفَضْلِ»: که در کتب رجالی صرفاً به کوفی بودن او اشاره شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۲)، «سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ»، «مُحَمَّدُ بْنُ سَلَّامٍ»، «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ» و «عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ»: که در کتب رجالی از آن‌ها مدح و ذمی یافت نشد، «نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ»: امامی صحیح المذهب (حلی، ۱۴۰۲: ۳۴)، «قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ»: از اصحاب امام صادق علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۲۷۲) و ثقه (ابن حبان، ۱۳۹۳-۱۳۹۵: ۷، ۳۴۰) و پدر او «زَائِدَةُ بْنُ قُدَامَةُ»: که از او به عنوان اصحاب امام باقر علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۳۶) و ثقه و صدوق (ابن عدیم، بی تا: ۸، ۳۷۳۶) یاد شده است. با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مسند» و از نظر سند، ضعیف مهمل محسوب می‌شود؛ چه اینکه چهار راوی از راویان این حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است. با این حال چون کامل الزیارات از اصول معتبر و مشهور میان فقهای شیعه است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱، ۲۷) و ابن قولویه همه‌ی راویان آن را توثیق کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴)؛ دانشمندان شیعه به روایاتی که در سلسله سندهای کامل الزیارات آمده اعتماد کرده‌اند (پاک نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۷)؛ اگرچه در کتب رجالی نامی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

از آن‌ها نباشد. به همین جهت روایات منقول از شیخ مفید و ابن قولویه، قابل استناد می‌باشند و با استناد به آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت؛ اهل‌بیت امام‌حسین علیه‌السلام از قبل مهیای حمله‌ی دشمن به خیمه‌ها بوده‌اند.

۳-۲-۲. هیبت و ابهت زینب کبری علیهاالسلام

دلیل نقلی دیگری که علامه سنقری برنفی کشف رأس مخدارت اقامه کرده است، ابهت نورانی و الهی زینب کبری علیهاالسلام و مخدّرات حرم امام‌حسین علیه‌السلام است که در روایات مختلفی به آن اشاره شده است. در این قسمت از بحث این روایت‌ها را نقل و سپس به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم. از جمله این اخبار، نقلی است که به اضطراب و لرزیدن بدن عمرسعد براثرصیحه و بکاء زنان حرم، هنگام حمله به خیمه زین العابدین علیه‌السلام اشاره دارد (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۵۶). این نقل طریحی ضعیف السند است؛ چه اینکه سلسله سندی برای آن ذکرنشده و در منابع متقدم اثری از آن نیست.

نقل دیگر، مربوط به حرکت کاروان حسینی از کربلا به سمت کوفه و سوار شدن اهل‌بیت امام‌حسین علیه‌السلام برناقه‌هاست که حضرت زینب علیهاالسلام خطاب به عمرسعد فرمود: «... سوّد الله وجهك يا ابن سعد! في الدّنيا و الآخرة. تأمرهؤلاء القوم بأن يركّبونا، و نحن ودائع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فقل لهم: يتباعدون عنّا حتى يركب بعضنا بعضا ...» (شیروانی، ۱۴۱۵: ۲، ۶۲۹) و براثراین نهیب، عمرسعد به لشکریان خود دستور داد: «... فتنحّوا عنهنّ ...» (همان) (... آن‌ها را رها کنید ...). ملاآقای دربندی سند این خبررا اینگونه بیان می‌دارد: «... فهذه الرّواية قد حدّثني بها بعض الثّقات الأدباء الشّعراء من تلامذتي من العرب ...» (همان، ۶۲۷). با توجه به نحوه‌ی استناد روایت مذکور که اشاره دارد به اینکه، فاضل دربندی آن را از بعضی از شاگردانش روایت کرده که آن‌ها هم در مجموعه‌ای که منسوب به روضه‌خوانی بوده است دیده‌اند که در آن از عبدالله بن سنان و او از پدرش و از جدش که قاصد کوفه بوده است نقل شده است؛ نشانه‌ی جعلی بودن آن است (ن.ک: نوری، ۱۴۲۰: ۲۶۳-۲۶۴). علاوه براین ابتدای روایت نیزبه خروج امام‌حسین علیه‌السلام و اهل‌بیتشان از مدینه، به هیبت ملوک و پادشاهان اشاره دارد که با سیره‌ی اهل‌بیت علیهم‌السلام مباینت دارد (همان).

از جمله شواهد دیگربرعظمت و مهابت زینب کبری علیهاالسلام، تصرف آن حضرت بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

قلوب و ساکت شدن هزاران نفر هنگام خواندن خطبه‌ی سراسر، سرزنش و توبیخ قاتلین سیدالشهداء علیه‌السلام در کوفه است (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). اگرچه شیخ طبرسی این روایت را به صورت مرسل نقل کرده است؛ لکن به جهت ثقه بودن ایشان از منظر علما، اجماع بر وجود این خبر نزد ثقات و مقبولیت آن نزد ایشان؛ این روایت قابل استناد است. روایت دیگری که دال بر شوکت حضرت زینب علیهاالسلام در مقابل دشمنان است، سخن ایشان در دارالاماره کوفه، بعد از سخن جبرگرایانه ابن زیاد: «کیف رأیت صنع الله بأخیك و أهل بیتك؟» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۲) است که خطاب به او فرمود: «ما رأیت إلا جمیلا ... ثکلتك أمك یا ابن مرجانة!» (همان) ای پسر مرجانه! مادرت به عزایت بنشیند. در برخی منابع آمده است حضرت او را با عبارات «... یا عدو الله! یا ابن الدعیّ! ...» مورد خطاب قرار داد (شیروانی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۴۶). این روایت را ابن اعثم بدون ذکر سلسله سند آورده است ولی با تطبیق آن با منابع قبل از الفتوح، دانسته می‌شود که غالب متن روایت، منقول از ابومخنف است و به جهت اینکه شیوه تاریخ نویسی ابن اعثم ترکیبی[1] بوده است، جزئیاتی به نقل ابومخنف افزوده است. با توجه به استفاده‌ی ابن اعثم از نقل‌های فریقین و ارائه گزارش بی‌طرفانه‌ی تاریخ عاشورا، نقل‌های او در جایگاه اعتبار قرار گرفته است (رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۸) و این روایت نیز به جهت شهرت روایی و عدم تعارض با ادله‌ی عقلی و نقلی قابل استناد است.

نقل دیگر، روایت سهل بن سعد، هنگام مواجهه‌ی با آن حضرت در شام است (بهبهانی، ۱۴۰۸: ۵، ۸۳) و طبق این نقل، حضرت بر سهل، صیحه‌ای زد و او بر اثر آن بیهوش شد. چنین نهیبی از جانب زینب کبری علیهاالسلام و به تبع آن چنان اثری، نسبت به مردی از شیعیان نیز در تاریخ ثبت شده است[2] (همان، ۴۶-۴۷). این روایت را بهبهانی از نسخه‌ی کتابی مجعول که به ابومخنف نسبت داده شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۴۲) نقل کرده؛ به همین دلیل از درجه‌ی اعتبار ساقط است.

شاهد دیگر بر هیبت و شوکت زینب کبری علیهاالسلام کلامی است در مقابل یزید از آن

۱. در شیوه ترکیبی، مورخ روایات گوناگون را با هم ترکیب می‌کند و در قالب یک روایت نقل می‌کند.
۲. این روایت راجع به فرد دیگری غیر از سهل ساعدی آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

بانوی مکرمه صادر شد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۸) و طی آن به سنت املاء و استدراج الهی و جنایات هند، جده‌ی یزید، در جنگ احد اشاره می‌کند و قوت قلبی در زینب کبری علیهاالسلام به‌قدری است که در این فقرات، یزید را کوچک و ذلیل می‌شمارد و می‌فرماید: «... وَ مَا اسْتِصْغَارِي قَدْرَكَ وَ لَا اسْتِعْظَامِي تَقْرِيعَكَ تَوَهُّماً لِانْتِجَاعِ الْخِطَابِ فِيكَ ...» (همان، ۳۰۹). قطع نظر از فصاحت و بلاغت این خطبه، اینکه یزید، با شنیدن سخنان حضرت زینب علیهاالسلام، که به کفر او، پدر، اجداد و پیروانش و خبردادن از نابودی سلطنتش، اشاره داشت، نتوانست سخنان آن حضرت را قطع کند و با تمام شقاوت و طغیانگری که داشت، نتوانست دستور قتل آن حضرت را صادر کند؛ نشانه‌ی تأثیر هیبت و سطوت الهیه‌ی زینب کبری علیهاالسلام بر اوست(ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۶۵).

با توجه به نقد و بررسی روایاتی که علامه سنقری به آن‌ها احتجاج کرده است و با ملاحظه‌ی عدم اعتبار برخی از روایات مورد استناد ایشان؛ با این حال با شواهد و اخبار ارائه شده‌ی دیگر،که اعتبارشان مورد پذیرش عالمان مقتل و تاریخ عاشورا قرار گرفته است؛ ثابت می‌شود که جذبه، شوکت، حشمت و عظمت این بانوی مکرمه، مانع از کشف رأس مخدّرات حرم امام‌حسین علیه‌السلام بوده است.

۳-۲-۳. کجاوه‌های آل الله علیهم‌السلام روپوش داشته است

از دیگر ادله‌ی نافی کشف رأس حرم آل الله علیهم‌السلام، این است که آنان اگرچه در بند اسارت بودند لکن با توجه به عظمت و ابهت الهی که داشتند حریمشان حفظ گردید. علامه سنقری به عنوان مقدمه این دلیل، به فرازی از خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام در کوفه اشاره کرده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۰۵). که طی آن اشاره دارد به اینکه امام سجاد علیه‌السلام بعد از خطبه زینب کبری علیهاالسلام از مرکب فرود آمدند و خیمه‌ها را برپا کردند، سپس مخدّرات را پیاده نمودند و آن‌ها داخل خیمه شدند. این نقل دلالت می‌کند بر اینکه، اساساً جلالت و حرمت آل الله علیهم‌السلام برجا بوده است. علامه سنقری بعد از این مقدمه به اخباری می‌پردازد که به روپوش داشتن کجاوه‌های پیام آوران کربلا اشاره دارد. در این شواهد، روایتی مشتمل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

بر خطبه‌ی ام کلثوم[1] علیها السلام، هنگام ورود به کوفه آمده است: «... وَ خَطَبَتْ أُمُّ كُلْثُومٍ بِنْتُ عَلِيٍّ علیهما السلام فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ وَرَاءِ كِلَّتِهَا ...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) که به خطبه خواندن آن حضرت از پشت پرده‌ی کجاوه اشاره دارد. شاهد دیگر بر این مدعی نقل دینوری در اخبار الطوال است که می‌نویسد: «... و أمر عمر بن سعد بحمل نساء الحسين، و ... في المحامل المستورة على الإبل ...» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۹؛ عنه ابن عدیم، بی تا: ۶، ۲۶۳۰؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) و صراحتا بر مستور بودن محملها اشاره دارد. این روایات شاهدی است بر این مدعی که خداوند متعال که راضی نمی‌شود کجاوه‌ی زنان بدون پوشش در منظر دشمنان قرار بگیرد، چگونه به کشف رئوس و نشر شعور آنان راضی خواهد شد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۶۵-۱۶۸). ناگفته نماند آنچه مشهور است که بازماندگان کربلا بر ناقه‌ی عریان طی مسیر کرده‌اند مستند به روایاتی است مرسل، که در منابع متقدمی چون فتوح ابن اعثم (ن.ک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۷) و لهوف سید بن طاووس (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۲) نیز آمده است و محدث قمی آن را مطابق با مقاتل معتبر دانسته است (ن.ک: قمی، ۱۴۲۲: ۱، ۷۲۹). وجه جمع بین روایات مورد استشهاد علامه سنقری و نقل مشهور، که هر دو دسته در یک سطح از جهت اعتبار قرار دارند، این است که: اگرچه مخدرات حرم آل الله علیهم السلام مستور بوده‌اند، لکن برخی از محمل‌های دختران صغیر و کنیزان بی پرده بوده است (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۷۰)؛ ولذا دسته‌ی اول روایات به مستور بودن محمل مخدرات و دسته‌ی دوم به بی پوشش بودن محمل اطفال صغار و جواری اشاره دارد.

۴. نتیجه گیری

۱. نقل‌هایی که درباره کشف حجاب بنات رسول الله در منابع تاریخی و مقاتل آمده است، غالباً از نظر سندی ضعیف و غیر قابل استناد هستند. کما اینکه از روایت منقول

۱. علامه سنقری در کتاب خود این نقل را درباره خطبه فاطمه صغری علیها السلام آورده است؛ ولی با تتبع در منابع این نقل راجع به خطبه ام کلثوم علیها السلام آمده است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴؛ عنه: حائری، ۱۴۱۸: ۲، ۳۵۹- ۳۶۰؛ و المجلسي، ۱۴۰۴: ۴۵، ۱۱۲؛ البهبهاني، ۱۴۰۸: ۵، ۴۱؛ القمي، ۱۳۷۹: ۳۶۳؛ الأمين، ۱۴۰۳: ۳، ۴۸۵ و...).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

حضرت زینب علیهاالسلام، که در مقتل جعلی و منسوب به ابومخنف آمده است، در منابع متقدم و معتبر خبری نیست.

۲. روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیهاالسلام، از حیث اتصال، «موقوف» و از نظر سند، ضعیف مهمل است.

۳. روایت حمید بن مسلم: «... لَقَدْ كُنْتُ أَرَى الْمَرْأَةَ ... تُنَازَعُ ثَوْبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلَبَ عَلَيْه ...» ضعیف به شمار می‌رود.

۴. روایت علامه مجلسی از فاطمه صغری علیهاالسلام: «... فإذا برجل ... قد تبعني... فخرم أذني و أخذ قرطي و مقنعتي...» مجهول است و مدرک و سندی ندارد.

۵. نقل طریحی درباره‌ی ورود زینب کبری علیهاالسلام به دار الاماره ی کوفه: «... تستروجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها ...» مجهول و بدون مدرک و سند است و با روایت دیگر او: «... حتى رأينا الدم يخرج من تحت قناعها ...» که به قناع داشتن زینب کبری علیهاالسلام هنگام ورود به کوفه اشاره دارد، متعارض است.

۶. روایت سید بن طاووس از حضرت ام کلثوم علیهاالسلام هنگام ورود به شام: «... فَقَدْ خُزِينَا مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَ نَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ ...» ضعیف مهمل است.

۷. روایت شیخ صدوق از حاجبِ عبید الله بن زیاد: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ ...» از حیث اتصال، مُسند است ولی از حیث سند، به جهت مجهول بودن دو راوی آخر آن، ضعیف مهمل است.

۸. بر پایه‌ی ادله‌ی عقلی، بر خداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن‌ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روا نیست.

۹. شهادت امام حسین علیه‌السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیهم‌السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم‌تر است، لکن بر آن فایده‌هایی بی حد مترتب بوده است، ولی به هیچ وجه بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدّرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه اذیت‌ها، لغو و عبث می‌باشد و بر آن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد.

۱۰. براساس ادله‌ی نقلی: آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه ها، ممانعت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

هیبت و ابهت زینب کبری علیهاالسلام از بردن حجاب‌های ضروری اهل حرم و روپوش داشتن کجاوه‌های آل الله علیهم‌السلام، نافی چهره گشایی از اهل حرم امام‌حسین علیه‌السلام است.

منابع

ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.

ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، (۱۴۱۱ق)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، ط اولی، بیروت، دار الأضواء.

ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، (۱۴۰۰ق)، أمالی الصدوق، بیروت، انتشارات أعلمی.

.....، (۱۳۸۷ق)، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تهران، نشر جهان.

.....، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهرانآ انتشارات اسلامیه.

ابن حبان، محمد، (۱۳۹۳-۱۳۹۵ق)، الثقات، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة.

ابن حجرعسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۵ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر.

ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، التعلیقات، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.

ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابیطالب، قم، انتشارات علامه.

ابن عدیم، عمربن احمد، (بی تا)، بغیة الطلب فی تاریخ الحلب، بیروت، دار الفکر.

ابن قولویه، جعفربن محمد، (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، انتشارات مرتضوی.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.

أبومخنف، لوط بن یحیی، (بی تا)، مقتل أبي مخنف (المشهور)، طهران، انتشارات أعلمیّ.

.....، (۱۳۸۰ش)، مقتل ابی مخنف، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.

آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث.

اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفة الائمه، تبریز، کتابفروشی بنی هاشمی.

اسفندیاری، محمد، (۱۳۹۱ش)، کتاب شناسی تاریخی امام‌حسین علیه‌السلام، قم، صحیفه خرد.

البحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۳ق)، مدینة المعاجز: الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة.

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، قاهره، وزارة الاوقاف.

بهبهانی، محمد باقربن عبدالکریم، (۱۴۰۸ق)، الدمعة الساکبة فی أحوال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و العترة الطاهرة، منامه، مکتبة العلوم العامة.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۷ش)، «آشنایی با منابع دست اول شیعه (۲): کامل الزیارات»، سال دهم، شماره ۱۰۶.
حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلی،قم، انتشارات الشریف الرضی.
خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، الهدایة الکبری، بیروت، مؤسسة البلاغ.
خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۳۸۱ق)، مقتل الحسین علیه‌السلام، قم، انتشارات انوار الهدی.
خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۲ش)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا، بی نا.
الدینوری، احمد بن داود، (۱۳۶۸ش)، الاخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
ربانی، محمد حسن، (۱۳۸۹ش)، بررسی اعتبار حدیث مرسل، قم، بوستان کتاب.
رحمان ستایش، محمد کاظم، رفعت، محسن، (۱۳۸۹ش)، «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی»، فصلنامه ی حدیث پژوهی، سال دوم، شماره ۳.
سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ش)، فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم، بوستان کتاب.
سنقری حائری، محمد علی، (۱۳۸۱ش)، چهره گشایی دختران امام‌حسین علیه‌السلام، قم، انتشارات چاف.
سید بن طاوس، سید علی بن طاووس حسینی حلی، (۱۴۲۲ق)، ترجمه لهوف، مترجم، ابوالحسن میر ابوطالبی، محقق: فارس تبریزیان، قم، انتشارات دلیل ما.
.....، (۱۳۴۸ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، انتشارات جهان.
سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الامامة، تهران، مؤسسة الصادق علیه‌السلام.
شرف الدین، عبدالحسین، (بی تا)، مؤلفوالشیعة فی صدر الإسلام، بغداد، مکتبة الأندلس.
شیروانی، آغا بن عابد، (۱۴۱۵ق)، إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات، کربلای معلی، العتبة الحسینیة المقدسة، قسم الشؤون الفکریة و الثقافیة.
صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی رحمه‌الله‌علیه.
طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضی.
طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دار التراث.
طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی.
.....، (۱۴۲۴ق)، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهر بـ الفخری، چاپ اول، بیروت ـ لبنان، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۷ق)، رجال الطوسی،قم، جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
.....، (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبة المحقق الطباطبائي.
.....، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه.
عاملی، سید جعفرمرتضی، (۱۴۲۶ق)، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم، دار الحدیث.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

عاملی، شیخ حر، (۱۳۸۰ش)، الجواهر السنیه، تهران، انتشارات دهقان.
عربی، حسین بن علی، (۱۳۸۳ش)، تاریخ تحقیقی اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی.
فتح اللهی، ابراهیم، (۱۳۹۴ش)، «روش شناسی نقد حدیث (نقد متن محور براساس ادله عقلی)، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال دوم، شماره اول.
قاضی طباطبایی، محمد علی، (۱۳۸۳ش)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه‌السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
قمی، شیخ عباس، (۱۴۲۹ق)، الأنوار البهیة فی تواریخ الحجج الإلهیة، قم، المکتبة الحیدریة.
.....، (۱۴۲۲ق)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل (صلوات الله و سلامه علیهم)، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.
.....، (۱۳۷۹ش)، نفس المهموم في مصیبة سیدنا الحسین المظلوم، قم، المکتبة الحیدریة.
کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، إختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
.....، (۱۳۴۸ش)، رجال الکشی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.
گروهی از تاریخ پژوهان، زیرنظر مهدی پیشوایی، (۱۳۹۱ش)، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء علیه‌السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
مامقانی، عبدالله، (بی تا)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، بی نا.
مجلسی، مولی محمد باقربن محمد تقی، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، تهران، انتشارات اسلامیه.
محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۸-۱۳۷۰ش)، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
محمد رضایی، محمد، (۱۳۸۴ش)، «مسئله شر و راه حل‌های آن»، فصلنامه پژوهشهای دینی (نام کنونی: پژوهش‌های فقهی)، سال اول، شماره سوم.
مسلم، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، قاهره، دار الحدیث.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، موسسة آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
الموسوی العاملی، محمد بن علی، (بی تا)، مدارک الاحکام، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
نجاشی، أبی العباس أحمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم، جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
نمازی، علی، (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال، تهران، مطبعة حیدری.
نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۲۰ق)، لؤلؤ و مرجان؛ معیاری برای سخن و سخنرانی، تحقیق و تعلیق مصطفی درایتی، بی جا، احمد مطهری.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.76.8.9]